

یک کتاب انقلاب

به قلم:

پرفیسور خورشید احمد

ترجمہ:

د. نور محمد امراء

عنوان کتاب: یک کتاب انقلاب
به قلم: پرفیسور خورشید احمد
ترجمه: د. نورمحمد امراء
موضوع: تاریخ و بررسی فرق و جنبش‌ها
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

أ.....	فهرست مطالب
۱.....	مقدمه
۲.....	تفسیر قرآن... پژوهاک اندیشه اسلامی
۸.....	حکایت تفسیر در شبه قاره هند و پاکستان
۱۱.....	تفهیم القرآن و نقطه تحول زندگی ملی ما
۱۵.....	دو ویژگی بنیادی تفهیم القرآن
۲۲.....	ویژگی های دیگر
۳۶.....	تفهیم القرآن و چالش های روزگار نوین

مقدمه

رابطه من با «تفهیم القرآن» از نوع رابطه شاگرد با استاد یا رهرو و راهبر است. من سطر سطر و کلمه کلمه آن را با دقت مطالعه کرده‌ام، و او انگشت مرا گرفته قدم به قدم فکر و اندیشه و عمل و کردار مرا راهنمایی کرده است. درباره چنین کتابی بزرگ فردی چون این شاگرد ناچیز هر آنچه بنگارد، با آنچه آن را نقد و بررسی می‌خوانند هیچ رابطه و نسبتی نمی‌تواند داشته باشد. همانطور که یک نویسنده نمی‌تواند درباره زندگینامه خود ناقد و پژوهشگر خوبی باشد، من نیز نمی‌توانم در مورد کتابی که به من نحوه فکر کردن و اندیشیدن را آموخته، بادبان زندگی مرا بکلی تغییر جهت داده، بسوی راه نوین سعادت آفرینی مرا سوق داده از دید یک ناقد بنگرم.

با وجود این اعتراف می‌توانم به جرأت این جسارت را نیز بکنم که همانطور یک شاگرد می‌تواند بهترین ناقد و در عین حال قدرشناس استادش باشد، شاید در بین افراد بی‌شماری که این کتاب در زندگیشان انقلابی به پا کرده، اگر من نیز در روشن کردن جایگاه و مکان آن و به تصویر کشیدن قدر و منزلت آن کوششی به خرج دهم بیهوده نخواهد بود.

و اگر این شاگرد را تا حدودی با بسیاری دیگر از اساتید تجربه‌های پیش آمده باشد، و در او این صلاحیت نیز مهیا باشد که با صداقت و راستگویی بتواند درباره اساتید خود نظر دهد و بین آن‌ها نوعی موازنه و مقارنه را به تصویر کشد، بدون شک شهادت و گواهی او به گونه‌ای ما را در شناختن مقام و مرتبه آن استاد یاری خواهد داد. امروز چنین شاگردی جرأت کرده تا درباره استادش سخن گوید. البته شاید حکایت چنین هم نباشد، بلکه قلم این شاگرد است که بی‌اختیار به حرکت درآمده، انگشتان او را مجبور ساخته

تا به نگاشتن این گزارش به حرکت درآیند!

تفسیر قرآن... پژواک اندیشه اسلامی

زندگی امت اسلامی با قرآن پاک گره خورده است. این همان کتابی است که بدین امت زندگی بخشیده، و هر دم او را زیر دامنش پرورش می‌دهد، و لحظه به لحظه او را زیر نظر دارد. این نیروی محرکه این کشتی است در گردباد حوادث، و لنگری است که آن را در ساحل امان آرام نگه می‌دارد. این همان نقاشی است که امت را به زیباترین شکل و شمایل رسم کرده است، و در او این شخصیت و شایستگی را دمیده تا در مسیر طولانی تاریخ از عهده حل قضایای نوین و مشکلات بسیار پیچیده برآید.

قرآن برای این ملت تنها یک کتاب نیست، بلکه رمز زندگی و قدرت وجود است. او در کالبد این ملت درست جایگاه «قلب» را دارد. تا می‌تپد ملت زنده است و بدون تپش آن ملت را وجودی نیست و زندگیش بکلی ناممکن خواهد بود.

این اهمیت بی‌مانند و جایگاه حیاتی قرآن کریم، این نقطه را بخوبی روشن می‌سازد که چرا در هر دور و زمانی بهترین صلاحیت‌ها و شایستگی‌های ذهنی و خلاقیت‌های علمی و پژوهشی مسلمانان در راستای فهم و درک این کتاب و بیان خواسته‌های آن صرف شده است.

تفهیم و تفسیر قرآن کریم مهمترین و برجسته‌ترین میدان بحث و بررسی پژوهشگران اسلامی بوده است. از این جهت تفسیر قرآن کریم در هر زمان در حقیقت آینه‌ای است که فکر و اندیشه آن دوره را انعکاس می‌دهد، و در پژواک آن ما تصویری گویا و زنده از تلاش‌های پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی در هر جای دنیا را در زمان‌های مختلف می‌توانیم نظاره‌گر باشیم. بدون شک در طول تاریخ اسلامی تلاش‌هایی که در این

میدان صورت گرفته و عرق‌هایی که در این راستا ریخته شده، و دوات و قلم‌هایی که بر ورق نقش بسته با هیچ میدان دیگری قابل قیاس نیست. قرآن کریم تمامی ریز و درشت زندگی بشر را مد نظر دارد، از اینروست که تفسیرهای قرآنی چهره و سیمای درست تفکر اسلامی را عکاسی نموده است. در سایه آن عکس‌های سه بعدی و همه جانبه عمق و وسعت فکر و اندیشه را می‌توانی به روشنی ببینی. تفسیر کارنامه بی‌مانندی است در فضای علم و اندیشه مسلمانان که در تاریخ هیچ ملت و تمدنی نمی‌توانی نظیر آن را بیابی.

{در کتابخانه عربی بیش از هزار و دویست تفسیر چاپ و نشر شده وجود دارد، و خدا می‌داند چقدر تفاسیر دیگری وجود دارد که تا کنون به صورت دست نویس باقیمانده، به چاپ نرسیده است. و در کتابخانه اردو بیش از دویست و پنجاه ترجمه و تفسیر کامل قرآن مجید، همراه با بیش از سیصد و پنجاه ترجمه و تفسیر ناقص وجود دارد. و در جهان هیچ زبانی را نخواهی یافت که فرزندان آن مسلمان باشند و ادبیات آن‌ها از ترجمه و تفسیر قرآن خالی باشد}.

این نشانه‌ای است از اینکه عقل و قلب امت اسلامی وظیفه خود را انجام می‌دهد و کاروان ملت در حال سفر است. تفسیر بهترین نمادی است از تفکر و اندیشه مسلمانان. افسوس که تا کنون تاریخ شمولی و همه جانبه فکر و اندیشه مسلمانان نگاشته نشده است. ولی هرگاه این تاریخ به رشته تحریر درآید اولین راهنما، مرجع و اساس آن ادبیات تفسیری ما خواهد بود. سفرنامه تفسیر قرآن همگام با نزول آن از سوی پروردگار یکتا آغاز شد. راهی که خداوند متعال برای هدایت و راهنمایی بشر اختیار نمود از دو جزء تشکیل می‌شود؛

کتاب آسمانی.

و پیامبری که این کتاب بر او نازل شده است.

راه و رسم هدایت و راهنمایی پروردگار عالم از حضرت آدم ÷ گرفته تا پیامبر خاتم آ بدین منوال جریان داشته است. پیامبر اکرم آ بر پایه این اسلوب و روش الهی انسان‌ها را چنین راهنمایی نمود:

أ) تلاوت آیات کلام الله مجید: یعنی قرآن پاک را آنچه‌نان که بر او وحی شده بود به گوش بندگان خداوند برساند، و وحی الهی را به همان شکل و شمایلی که بر او املاء شده به بشریت منتقل سازد.

ب) عمل به احکام: یعنی شخصا به هدایات و راهنمایی‌های الهی جامه عمل پوشانده در برابر انسان‌ها چنان نمونه والگویی به تصویر کشد که آن‌ها بتوانند با پیروی از او به رضایت و خشنودی پروردگارشان دست یابند.

ت) تعلیم و توضیح آیات: یعنی شرح و توضیح و تفسیر آیات کلام الله مجید؛ آشنایی بندگان پروردگار با معنا و مفهوم درست آن، بر طرف کردن اشتباهات و اشکالات و کج‌فهمی‌ها از بندگان خدا، رفع کردن مشکلات ذهنی و رفتاری آن‌ها، مهیا ساختن آنچه باعث اطمینان خاطر و قوت قلب آن‌ها می‌شود. و آن‌ها را با این کتاب، و مقاصد و مطالبات آن، شیوه ساختاری و اصلاح و روش برنامه‌ریزی آن، و نحوه و قوانین و راه و رسم زندگی بر مبنای آن، آشنا ساختن. تا بدانجا که در فن و فوت زندگی در سایر قرآن ماهر گردند.

پیامبر اکرم آ این سه مورد را به بهترین وجه انجام دادند. پیام و دعوت قرآن را در بین مردم ابلاغ کردند، و آن جنبش انقلابی که این کتاب می‌خواست بر پا کند را جامه عمل پوشانیدند، در سایه آن نقشه زندگی فردی و راه و رسم زندگی اجتماعی را بکلی تغییر داده جامعه‌ای مسلمان و حکومتی اسلامی بر پا داشتند، و بر صفحات درخشان تاریخ بشریت آن

مرحله‌ای را آغاز نمودند که پرتو اولین نورش در غار حرا تابیدن گرفته بود. تمام آنچه برای فهماندن قرآن از پیامبر خدا **آ** سرزده، همراه با همه آنچه در توضیح و شرح آن به لب کشیده، تفسیر قرآن پاک نام دارد. پس از آن تمامی فعالیت‌هایی که برای تفسیر قرآن کریم صورت گرفت، در روشنایی همین شیوه پیامبر خدا **آ** در عمل و شرح و توضیح آیات کلام الله مجید بوده است. بطور بنیادی می‌توان گفت: کلیه تلاش‌های تفسیری سه پهلوی را مد نظر داشته است:

اول: تلاش برای روشن نمودن این نقطه که پیامبر اکرم **آ** و شاگردان برجسته آن مقام که اولین بار قرآن با آن‌ها سخن گفته، آیات قرآنی و احکام و دستورات مختلف آن را چگونه فهمیده‌اند، و درک و فهم و برداشت آن‌ها از آیات قرآنی چه بوده است!

تفسیرهایی که به جنبه‌های لغتی قرآن کریم، و روایات وارده از پیامبر خدا **آ** در شرح و بسط آیات آن اهتمام ورزیده‌اند حلقه وصل این سلسه یا زنجیره می‌باشند.

دوم: در هر دوره با پدید آمدن مشکلات و قضایایی نوین و برداشت‌ها و پیچیدگی‌ها و گره‌های جدید در تمدن‌های بشری، تفسیرها سعی کرده‌اند در سایه ارشادات و مفاهیم والای قرآنی راه حل‌هایی را به بشریت ارائه دهند، و در باز کردن گره‌های کور سهیم باشند.

اندیشمندان مشکلات و پدیده‌های پیچیده و گره‌های کور را پیش روی خود نهاده، برای یافتن راه حل دست به دامن قرآن پاک شده‌اند. آن‌ها با فکر و اندیشه در آیات کلام الله مجید و با توکل بر پروردگار عالم تلاش کرده‌اند برای بشریت روشن سازند راهنمایی و برنامه‌ساختاری و راه حل‌هایی که قرآن مجید در مورد هر مشکلی پیش روی می‌گذارد، چیست. آن‌ها با در نظر گرفتن شالوده زندگی فردی و اجتماعی جامعه، خد و

خال شاهراه زندگی قرآن کریم در هر دور و زمانی را به روشنی بیان داشته‌اند.

تفسیرهای فقهی قرآن کریم بر مبنای این پهلو و جوابگو بودن این رشته از نیازها نگاشته شده است!

{جای دارد روشن سازیم ما در اینجا فقه را به معنای گسترده و شامل آن در نظر داریم که در برگیرنده آن احکام و مسائل و حالات قلبی و احساسات و عواطفی است که در پرتو آن‌ها جامه عمل پوشاندن بدین دستورات و فرامین مطلوب است. و در حقیقت تفسیرهای عارفانه نیز جزئی از این سلسله می‌باشند که در آن‌ها گفته شده با چه احساسات و شعور و هیجان و به چه نحوی فرامین قرآنی باید به اجرا در آیند.}

سوم: در هر دوره‌ای تلاش شده با توجه به سطح فهم و درک مردم و نظریات مطرح در جامعه و اشکال‌های خاص هر روزگار حکمت‌ها و اندرزها و آموزه‌های قرآنی واضح و روشن ارائه شود. شک و شبهات برطرف گردد، اعتراضات مخالفان و اشتباهات و اشکالاتی که از سوی دوستان نادان یا جاهل منتشر می‌شود رفع گردد. در روشنی قرآن فتنه‌های روز از بیخ و بن کنده شود، و با توجه به پیشرفت‌های علمی و اکتشافات جدیدی که گزینه‌ها و معرفه‌های قرآن را تأیید می‌کنند، و یا شرح می‌دهند، مراتب درک و فهم و اطمینان قلب برای طالبان علم و معرفت فراهم گردد.

تفسیرهایی که به اعجاز قرآن و یا مسائل کلامی یا شیوه‌های مناظرانه دلچسپی دارند این نیاز را برآورده می‌کنند.

این سه مورد در هر دوره از زمان توجه اندیشمندان و اهل علم و دانش را به مهمترین و نازکترین جوانب شرح و تفسیر مبذول داشته‌است. در سایه این تلاش‌های بیدریغ جوانب بیشماری از علم و معرفت ترویج یافته، با گذشت زمان ترقی پیدا کرده به صورت کیانی مستقل شروع به نشو و نما

نموده است.

فن زبانشناسی و فصاحت و بلاغت و نقد ادبی به هدف فهمیدن درست کلمات و تراکیب و محاوره‌های قرآنی پدید آمد. فن تلاوت و تجوید و علم اصوات برای خواندن درست آیات کلام الله مجید وضع شد. فن کتابت و خوشنویسی و خطاطی مسئولیت املاء درست قرآن را بر عهده گرفت. دانش تاریخ و جغرافیا و تقابل ادیان و مذاهب در تلاش برای فهم بهتر حکایات و داستان‌های قرآنی ترقی داده شد. رشته‌های؛ اصول فقه، فقه و تصوف در کوشش برای استخراج و استنباط و فهم احکام و قوانین قرآنی، تعیین محدوده و دایره حرکت، تعلیم و آموزش آن‌ها، و همچنین برای درک روح و معرفت آن‌ها پدید آمد.

فن حدیث، اسماء الرجال و اصول جرح و تعدیل در راستای فهم تفسیر قرآن کریم مدون شد، تا آیندگان بطور دقیق و با اطمینان کامل دریابند پیامبر خدا ^آ به چه صورت احکام الهی را در زندگی خود پیاده نمودند، و آیات الهی را چگونه شرح دادند و به چه صورت مراد و مفهوم درست آیه را بیان داشتند. علم فرائض یا میراث برای اجرای احکام و قانون وراثت بوجود آمد. علم کلام برای دفاع از قرآن متولد شد. و در زیر شمع پر فروغ اشارات گذرای قرآن کریم رشته‌ها و دانش‌هایی چون: زیست شناسی، جوان شناسی، شیمی، پزشکی، منطق استخراجی و استقرائی، و رشته‌های عملی بی‌شمار دیگری ترقی و فروغ یافت. تمامی این علوم و فنون در دایره و محدوده‌ای که در پرتو قرآن رشد نموده‌اند، برای آیندگان دانش‌های پایه و کمکی برای تفسیر و فهم درست آیات کلام الله مجید به شمار می‌آیند.

به طور اساسی این دانش‌های پایه می‌بایستی تنها در تصور مرکزی تفسیر ادای خدمت می‌کردند، ولی در میدان عمل شعبه یا شاخه‌ای بوجود آمد که شغف و عشق بدین معرفه‌های انسانی آنچنان بر آن غلبه پیدا نمود که در

بسیاری موارد الفاظ و معانی قرآنی را بصورت درست مد نظر قرار نمی‌داد. در این فضای گردآلود سعادت‌مندانگی کمر خدمت به قرآن بسته تلاش نمودند بار دگر شاهراه زندگی قرآنی را واضح و روشن به نمایش گذارند، و اشتباهات و کج‌فهمی‌ها و گمراهی‌هایی که در تمامی صحنه‌های فکری و عملی رونما شده را در پرتو قرآن پاک اصلاح سازند.

تفسیر قرآن در فکر اسلامی جایگاه محور و مرکز و دایره را داراست. بر مبنای این ما بر این باوریم که ادبیات تفسیری مسلمانان بهترین آینه‌ای است که می‌تواند نحوه فکر و اندیشه و نگرش آن‌ها را بازتاب دهد. و بدرستی می‌توان تاریخ کامل این ملت را در آینه تفسیر به روشنی نظاره‌گر بود.

حکایت تفسیر در شبه قاره هند و پاکستان

عمر درس قرآن و تفسیر نویسی در شبه قاره هند و پاکستان به هزار سال می‌رسد. غالباً سلسله این تلاش‌ها برای اولین بار در ایالت سند شروع شده است. در سال ۲۷۰هـ حاکم وقت منصوره «عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز» از یک عالم سندی عراقی الأصل که در این منطقه کسب علم و دانش نموده، خواست تا تفسیری بنویسد.

سند، راجپوتانه و پنجاب در عهد غزنویان مراکز دعوت و تبلیغ به اسلام بودند. از جمله علمای تفسیر این دوران در لاهور می‌توان از سید محمد اسماعیل بخاری / نام برد.

اولین تفسیر کاملی که به چاپ رسیده، در دسترس است اثر عالمی از دکن به نام نظام الدین حسن بن محمد بن حسین شافعی معروف به نظام نیشابوری دولت آبادی / است که در بین سال‌های ۷۲۸ - ۷۳۰ هـ در

دکن کامل شده، و در ایران به چاپ رسیده است. {غرائب القرآن، تهران ۱۲۸۰هـ.}

از این تاریخ تا به امروز تفاسیر بی‌شماری به تمامی زبان‌های مسلمانان؛ عربی، فارسی، انگلیسی، اردو، سندی، پشتو و زبان‌های دیگر به رشته تحریر درآمده است.

می‌توان گفت بطور عموم تمام این تفاسیر بر مبنای همان مفاهیم پایه و بنیادی نگاشته شده، که در سایر کشورهای اسلامی دانشمندان تفسیرهایشان را بدان می‌نوشتند.

تعداد زیادی از آن‌ها تفسیرهای روایتی و مستندی هستند که تلاش دارند آیات کلام الله مجید را در سایه فرموده‌های گهربار رسول اکرم آ و آنچه از صحابه و یاران آن جناب رسیده، شرح و بسط دهند. تعدادی تفسیر نیز از نقطه نظر لغت، اعجاز قرآن، و بیان محاسن و زیبایی‌ها و نگاره‌های ادبی نگاشته شده است.

در باب اعجاز قرآن کریم بطور عموم در یکی از نقطه نظرهای آن؛ نظم قرآن مورد کنکاوش‌های عمیقی قرار گرفته، که در این باب علمای شبه قاره خدمت‌های شایانی ارائه داشته‌اند. {امام ابن قیم / و امام فخر الدین رازی / به این جانب توجه خاصی مبذول داشته‌اند. از تفاسیر منتشر شده در شبه قاره؛ تفسیر رحمانی - تبصیر الرحمن - اثر شیخ زین الدین علی بن احمد بن علی الهائمی هندی، و تفسیر المحمدی از محمد بن أحمد میانجی، و آثار مولانا حمید الدین فراهی؛ نظام القرآن و تأویل الفرقان بالفرقان - مجموعه تفاسیر فراهی - بالأخص در این باب قابل ذکرند}.

تفاسیر کلامی نوعی دیگر از تفاسیر است که به مسائل روز توجه خاص دارد. و سعی می‌کند با استدلال‌های عقلی حکمت تعالیم والای قرآنی را بیان داشته به اعتراضات وارده جواب گوید و در این تلاش است تا برای

مشکلات روز راه حل و جواب‌هایی بیابد.

همچنین برای بیان مسائل فقهی، و برآوردن نیازهای مدرسه عرفان و تصوف تفسیرهای نگاشته شده است. درس تفسیر در شبه قاره هند تمام این مراحل و گونه‌ها را زیر نظر داشته در آن قلم زده است.

به گمان غالب سفرنامه یا سلسله تفسیر قرآن به زبان اردو از خانواده شاه ولی الله دهلوی / آغاز می‌شود. دو تا از فرزندان برومند ایشان قرآن کریم را به اردو ترجمه کرده‌اند. و ترجمه پل اول تفسیر است. ترجمه پاورقیهای شاه عبدالقادر فرزند شاه ولی الله دهلوی به نام «موضح القرآن» منتشر شده، و تا کنون مورد استفاده اهل علم و دانش قرار دارد. ترجمه برادر ایشان شاه رفیع الدین / نیز در میدان تفسیر راه گشاست. در همین دوره ترجمه تشریحی حکیم محمد شریف خان / (ت ۱۲۲۲هـ) نیز بر سکوی وجود پدیدار شد. {البته پروفسر حامد حسین قادری بر این باور است که این ترجمه اولین ترجمه قرآن به زبان اردوست. نگا: داستان تاریخ اردو، ط/ دوم، ۱۹۵۷م، ص/۱۴۴}.

این‌ها کوشش‌های پایه و بنیادی در این راستا بود که، پس از آن سلسله ترجمه و تفسیر کلام الله مجید رونق گرفت و صدها تن از بندگان خالص و مؤمن خداوند مطابق ذوق و صلاحیت و خلاقیت‌های خود تلاش کردند خدمتی به پیام رسای الهی انجام داده، شرح و تفسیر و ترجمه‌ای از قرآن کریم عرضه دارند.

بیشتر تفسیرهای اردو تفاسیری عمومی است. برخی تنها از دیدگاه و جانب خاصی قرآن را تفسیر کرده‌اند. و برخی نیز تلاش داشته‌اند دامن معرفت گسترده جنبه‌های مختلفی چون؛ لغت، روایت، تاریخ، علم کلام، فقه، و عرفان را یکجا عرضه کنند.

با در نظر گرفتن این سرمایه هنگفت علم و معرفت ما به «تفهیم القرآن»

می‌رسیم. شکر و سپاس خدای را که این تفسیر در نیمه راه ناقص نمانده، و کامل شده است.

این تفسیر شرح و بسط تمام قرآن را در بر گرفته است، و در راستای فهم قرآن اسلوب و روشی را اختیار کرده که در تمام راه دست خواننده را گرفته پله پله او را بسوی پروردگارش عروج می‌دهد، و در هیچ مرحله‌ای تنها رهاش نمی‌کند.

تفہیم القرآن و نقطہ تحول زندگی ملی ما

مولانا مودودی فعالیت اصلاحی و تجدیدی خود را در سال‌های ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ م آغاز نمود. شکست ظاهری حرکت خلافت اسلامی، و در پی آن افت فکری، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی روز او را برای این کار آماده نمود. بسیاری بودند که درد جامعه را احساس می‌کردند، و اهمیت چنین فعالیتی را درک می‌نمودند، ولی اندک افرادی بودند که همت و جوانمردیشان توانایی سینه سپر کردن در مقابل مشکلات و آزمایش‌ها و امتحان‌های سخت این راه را داشت. (البته برخی ندای همت برآورده، ملت را به سوی بیداری و حرکت واداشتند ولی در نیمه راه چون با مشکلات و سختی‌های مسیر مواجه شدند، همت‌های ناتوانشان فرو ریخت و در مقابل سختی‌ها کمر خم کرده، شکست را پذیرفتند و بر شعارهای خود بوسه زده آن‌ها را بر زمین انداخته از راه بریدند!).

در این بحران شدید روزگار نوجوانی عاشق و شیدای دین با همتی فولادی چشم به هدف و آرمان بزرگ دوخته، قدم در راه نهاد. تحقیق و پژوهش و بررسی درباره «جهاد در اسلام»^(۱) او را با این راه

۱- برای شناخت بیشتر مودودی مراجعه کنید به کتاب درختان سایه‌دار، نوشته/ حمیرا

آشنا ساخت. سال ۱۹۲۸م تا ۱۹۳۲ دوره تفکر و بازنگری و اضطراب و دگرگونی و اخیراً تصمیم‌گیری نهایی اوست، در این مرحله او را سوز و تاب خاصی بود که شاید این بیت شعر بتواند آن را به تصویر کشد:

شب‌های زندگی من در این کشمکش گذشتند گهی سوز و سازرومی و گهی پیچ و تاب‌رازی

بالاًخره در سال ۱۹۳۲ م او تصمیم خود را گرفته راهش را انتخاب نمود، و در سال ۱۹۳۳ م بوسیله مجله «ترجمان القرآن» دعوت انقلابی قرآن را به مردم تقدیم داشت. نقطه آغاز و منتهای مقصود دعوت او تنها قرآن بود. در شماره اول «ترجمان القرآن» که زیر مدیریت مولانا مودودی منتشر شد، چنین آمده است:

«امروز این رسالت آسمانی وارد مرحله‌ای بسیار دشوار و سخت و طاقت فرسا می‌شود. سختی‌ها و دشواری‌ها و فراز و نشیب‌های راه از این نیست که آنچه پیش روست از گذشته مشکلتر و دشوارتر است، بلکه از این‌روست که بازوهایی که امروز رسالت بدان‌ها منتقل می‌شود از بازوان پرتوان مردان دیروز ناتوانترند.. از یک سو این ضعف و ناتوانی است، و از سوی دیگر نیاز مرحله این است که اسلام را با آن زیبایی و جمالی که قرآن حکیم به تصویر کشیده، به جهانیان عرضه داریم. گفتن چنین سخنی و مطرح ساختن چنین شعاری بسیار آسان است، ولی در حقیقت؛ دوری از شمع فروزان نبوت، کمی علم و دانش درست، فقدان سلامت قلب و اندیشه ثاقب، و درک درست، فلسفه‌گری یونانی، موشکافی‌های گنگ، شک و شبهه‌پراکنی‌های جهان غرب، و مهمتر از همه خودپرستی و پیروی از خواهشات نفسانی در بین ما و علم و معرفت و دانش قرآنی پرده‌های کلفت بسیاری قرار داده است، و در نتیجه آن، آنچه قرآن بسیار ساده و آسان کرده بود، امروزه در

نظرها از همه چیز دشوارتر و مشکل‌تر شده است. در گیر و دار این وضع اسفبار تقدیم قرآن مجید به صورت اصلی آن کار بسیار دشواری است». و او این کار بسیار دشوار را با همان عشق و شیدایی آغاز نمود. تقریباً ۸۰ کتاب از قلم مولانا مودودی در آموزه‌های مختلف قرآنی متولد شده، لیکن چنین به نظر می‌آید که در دهه اول این جهش نوین، مولانا مودودی چنین احساس کرد که گویا او تصور و دیدگاه انقلابی قرآن کریم را با نوشته‌هایش به بهترین صورت ارائه کرده است، اما برای بازگرداندن ملت اسلامی بسوی اساسنامه قرآن و تصور درست دیانت الهی، و متوجه ساختن او به برنامه تاریخیش.. - دعوت بسوی خیر و سعادت و واداشتن به نیکی و پرهیزکاری و دوری از زشتی‌ها و منکرات...- نیاز است رابطه او با قرآن از سر نو پایدار و استوار گردد، و چنین برنامه ریزی شود که قرآن دستور زندگی او، و برنامه دعوت جهانی او گردد. برای رسیدن به این هدف لازم است قرآن را پایه و اساس و بنیاد قرار داد، تا در امت بشکل عمومی فهم درست قرآن پیدا شود. غالباً این همان احساسی بود که شاه ولی الله دهلوی / را بر آن داشت تا با یک حرکت و جوش انقلابی ترجمه فارسی قرآن کریم را ارائه کند، آن ترجمه‌ای که در نهایت جهت چرخش زندگی مسلمانان در شبه قاره هند را تغییر داد.

شاه ولی الله در کنار محکم کردن رابطه انسان با قرآن، تصویری جامع و شمولی از زندگی در پرتو قرآن کریم را در کتابش «حجة الله البالغة» به تصویر کشید. این شاهکار ارزنده او در حقیقت گنجینه‌ای از احادیث نبوی است که در پرتو تابش حکمت و اندرزهای قرآنی تمامی جوانب فکر و اندیشه و تلاش و فعالیت و ادای اسلامی را یکسان مد نظر قرار داده، به مسلمانان عرضه می‌دارد.

نگارنده به عنوان دانش آموزی ناچیز در مدرسه تاریخ بر این باور است

که همان مقام و منزلت و جایگاه انقلابی و حکمت و دانش و تجدد گرائی که شاه ولی الله دهلوی با ترجمه فارسی قرآن کریم و کتاب «حجة الله البالغة» داراست، کم و بیش از آن حرکت اصلاحی و حکمت عملی مولانا مودودی در «تفهیم القرآن» است.

او شیوه و روشی نوین در ترجمه قرآن کریم برای خود اختیار کرده است، و دعوت قرآن را بوسیله خود قرآن بیان نموده است، از این بابت به جرأت می‌توان گفت: «تفهیم القرآن» تنها ثمره جهد و تلاش و سرمایه زندگی مولانا مودودی نیست، بلکه برنامه‌ای است برای بازسازی حال و آینده امت اسلامی و تقدیم چهره‌ای نوین و درخشان از آن..

«تفهیم القرآن» رابطه‌ای بسیار عمیق با حرکت اسلامی نیز دارد. جناب مولانا مودودی در سال ۱۹۳۸ پایه و اساس گروه و جماعت و تنظیمی را ریخت تا اندیشه انقلاب اسلامی در رگ و ریشه آن‌ها جریان داشته باشد و روح و روان آن‌ها با کار و فعالیت در این راستا آمیخته گردد.

من بر این باورم که مولانا مودودی در زمانی که حرکت دار الاسلام^(۱) را اداره می‌کرد، به شدت احساس کرد که گروه و جماعتی را باید با برنامه قرآن پاک تربیت نمود، و او از آنروز خود را برای چنین مسئولیتی آماده ساخت.

از آن روز او ذهن و اندیشه خود را به «تفهیم القرآن» مشغول داشت، و اینچنین بود که کار فکری این شاهکار ارزنده آغاز گشت.

و از اولین روزی که این جماعت یا گروه شروع به منظم شدن نمود، درس قرآن آغاز گشت. و این همان درس قرآنی است که در فوریه ۱۹۴۲م به شکل «تفهیم القرآن» در میدان علم و دانش چشم به جهان گشود.. و

بدینصورت این درس تنها در دهلیزهای افراد خاص جماعت و رفیقان و یاران و همکاران حرکت اسلامی محصور نماند، بلکه در اختیار همه امت قرار گرفت، و سفره علم و معرفت را در همه جا پربار نمود.

اگر در آنچه رفت با دقت بنگریم اهمیت تاریخی «تفهیم القرآن» برایمان به روشنی واضح می‌گردد. این همان کتابی است که در یک مرحله بسیار دشوار و بحرانی از زندگی مسلمانان زیر پرچم قرآن انقلابی ساکت و خاموش بر پا نمود... این جنبش و حرکت انقلابی همچنان پا برجاست.

دو ویژگی بنیادی تفهیم القرآن

بدون شک خدمتی که «تفهیم القرآن» انجام داده، و نقشی که هنوز هم بر عهده دارد، بسیار حیاتی و بزرگ و تاریخی است. نه تنها از این نقطه نظر بلکه حتی از نقطه نظر علمی و پژوهشی نیز جایگاه «تفهیم القرآن» بسیار والاست. این از جمله کتاب‌هایی است که قرن‌ها زنده می‌مانند. کتاب‌هایی که تنها جزئی از بدنه تاریخ نیستند بلکه تاریخ سازند.

در اینجا به برخی از ویژگی‌هایی که در «تفهیم القرآن» نمایان است بصورتی بسیار گذرا اشاره می‌کنیم.

پیش از هر چیز به دو ویژگی اساسی که مزاج، اسلوب و شیوه، انداز و بیان، تفسیر و توضیح، موضوعات و بحث‌ها، ادب، هدف و تمام کیان تفهیم القرآن را متأثر کرده و در حقیقت رنگ و آهنگ این کتاب تاریخی را معین نموده، تار و پود آن را تشکیل می‌دهد، را ذکر می‌کنیم.

اولین سخن بنیادی این است که نقطه نظر و دیدگاهی که «تفهیم القرآن» از روزنه آن قرآن را مورد مطالعه قرار داده این است که این کتاب برنامه و دستور هدایت و رستگاری است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت

و رستگاری می‌خواهد در هر فرد، و در تمامی امت روحیه فکر و اندیشه و مطالعه و درک و شعور را بصورتی زنده و متحرک فعال سازد. قرآن در انسان یک احساس و شعور جدید - احساس بندگی - می‌آفریند. آغاز این تبدیل و دگرگونی را در ساختار شخصیت نوین قلب، و درک هویت، و سرآغاز اندیشه و تفکر قرار می‌دهد. در کنار تغییر زاویه دید و نحوه نگرش این کتاب هدایت و رستگاری برنامه‌ای متکامل برای زندگی فردی و اجتماعی به بشریت عرضه می‌دارد. تصویری واضح و روشن از صراط مستقیم و راه راست را جلوی دیدگان انسان قرار می‌دهد. و در هر زمینه از زندگی اصول و ضوابط عمومی، و در مهمترین گوشه‌ها و جوانب آن راهنمائی‌های تفصیلی مورد نیازی که به؛ دستور و قانون، قضا و قدر، اصول و ضوابط، آداب و احساسات و عواطف، کیفیات و محرکات عمل وابسته‌اند را تقدیم می‌دارد. این راهنمائی‌ها تنها در دایره اخلاق محدود نمی‌شود، بلکه تمام شعبه‌های زندگی را دربر می‌گیرد؛ چه زندگی فردی باشد یا زندگی اجتماعی، چه به قضایای سیاسی ربط داشته باشد یا به روابط اجتماعی، چه جوانب عدالت و دادگستری را دربرگیرد یا تجارت و بازرگانی را، چه مربوط به زندگی خانوادگی باشد یا که تمدن بشری، چه به مسائل و روابط قومی و ملی ربط داشته باشد یا که به روابط بین‌المللی.

بدینصورت این کتاب هدایت - کلام الله مجید - تمامی تغییر و تحولات، و جذر و مدهای زمانه را مد نظر قرارداده، ضابطه و برنامه زندگی کاملی فراهم نموده است.

انسان تنها وقتی که تصور کلی زندگی در دیدگان او روشن و واضح بوده در پی این باشد که مسیر رودخانه زندگی را بطور کلی بسوی قرآن تغییر جهت دهد، می‌تواند این کتاب را بدرستی بفهمد و به اوامر و دستورات آن جامه عمل بپوشاند.

البته اینطور نیست که پیش از «تفہیم» کسی این سخن را نگفته باشد. در حقیقت تصور کتاب هدایت بودن قرآن کریم در هر تفسیری است. و همچنین برنامه شمولی زندگی در سایه قرآن در قدیم بوده و در دوره جدید نیز چند تفسیر اولین اهمیت را بدان ملحوظ داشته‌اند. بعنوان نمونه می‌توان از تفسیر المنار - رشید رضا، و ترجمان القرآن مولانا آزاد نام برد. {متأسفانه هر دو تفسیر نامبرده کامل نشده‌اند}. البته آنچه قابل توجه است این است که بطور عموم نقطه نظرهایی تنگ و اهتمام به برخی ویژگی‌ها آنچنان بر این میدان چیره گشته بود که نقشه‌ای روشن و برنامه‌ای شامل و دقیق از نظام زندگی تشکیل نیافته است!

تفسیرهای کلامی بحث‌ها و مناظره‌های عقیده‌ای را مطرح ساخته، تفسیرهای اخباری فضا را با روایات اسرائیلی ابرآلود نموده، تفسیرهای لغوی و ادبی بطور عموم آنچنان غرق بحث در زیبایی شیوه بیان و معجزه‌های ادبی شده، که بجای پرداختن به مفهوم و معنا و مراد آیات قرآن بیشترین توجه به الفاظ و کلمات داده شده است. در جانبی از تفسیرهای فقهی جزئیات و اختلاف‌های مذهبی آنچنان محوریت یافتند که گل و غنچه جلوی چشمان نمایان شد ولی دیدگان از دیدن باغ محروم ماندند. تفسیرهای عارفانه آنچنان به جوانب روحانی و تزکیه و پاکی نفس و زیبانمایی احساسات و جذبات فرو رفت که تصور نظام زندگی و برنامه ابتدائی آن بکلی در پشت صحنه ناپیدا مانده، نوعی تقدس مآبی دینی و رهبانیت یونانی رونما شد. برخی از تفسیرهای شمولی و جامع همه این جوانب را جمع کرده‌اند، اما خواننده در انبوه این تنوع و رنگارنگی و شلوغی به سختی می‌تواند توجه خود را به خد و خال اساسی برنامه زندگی مرکوز دارد. گویا عملاً در تفسیرها همه آنچه که می‌تواند نقش و نگار برنامه درست زندگی را واضح و روشن کند وجود دارد، ولی همه این چیزها آنچنان بهم

آمیخته و درهم و برهم شده‌اند که برای جدا کردن آن‌ها از یکدیگر نیاز است انسان زرگر و طلا سازی ماهر باشد. تفهیم القرآن برای دانشمندان و عالمان و همچنین برای عامه مردم این خدمت را انجام داده است.

سخن اساسی دوم در مشخص کردن ویژگی دیگر «تفهیم القرآن» این است که؛ قرآن پاک تنها یک کتاب، یک کتاب الهامی، یک کتاب تاریخی، یا یک کتاب بزرگ نیست، بلکه شناسه اساسی آن این است که این هدایتی است جاویدان، از سوی پروردگار و آفریننده جهانیان فرستاده شده تا به سوی رسالت و دعوتی ویژه مردم را بخواند و جد و جهد و انقلابی را بر پا کند. این کتاب دعوت و جنبش و حرکت است.. قرآن پرچمدار پیامی و رهبر و داعی یک دعوت و جنبش و حرکتی است. وظیفه کاشتن یک نظریه، و ساختار امت و ملتی را بر عهده دارد تا آن را به سوی برپایی هدف و برنامه‌ای ویژه به حرکت درآورد. برای این دعوت و این تلاش و کوشش و حرکت جهت‌یابی می‌کند، هدف و آرمان، اصول و مقررات، دستور العمل و قانون و برنامه فراهم می‌کند. نقشه و شیوه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌های در حال کار و فعالیت را مشخص می‌کند.

ویژگی‌ها و صفات، حرکت و نیرو، جذبات و احساسات لازم برای انجام این کار را بوجود می‌آورد. این کتاب در زندگی فرد، و در زندگی جامعه و در نهایت در تمام جهان کشمکش و دگرگونی و تغییراتی را بوجود می‌آورد... کشمکش در میان حق و باطل تا نظام و برنامه زندگی بر اساس عدالت و حق جاری گردد و در نهایت باطل تسلیم شده سلاح بر زمین نهد.

این کتاب تصور و دیدگاهی ویژه از کائنات و انسان و زندگی تقدیم می‌کند. افرادی که این دیدگاه و تصور حیات را بپذیرند، زندگی آن‌ها را بر اساس نقشه‌ای خاص اصلاح می‌کند. و با کسانی که او را قبول ندارند برنامه‌ای دراز مدت از جهد و تلاش و دعوت و تبلیغ و مناظره را در پیش

می‌گیرد. این تصور که قرآن کتاب دعوت است شاه کلیدی است که تمام مشکلات و نارسائی‌ها را از سر راه درک و فهم قرآن برطرف می‌کند. پس از آن؛ اسلوب و شیوه قرآن، راه و رسم استدلال آن، نظم آن، ادب آن، اختلاف و تنوع موضوعات آن، تکرار معانی و افکار در آن، آموزه‌های اخلاقی آن، دستور العمل‌های قانونی آن، پند و اندرزهای تاریخی آن، خلاصه همه سخنان آن قابل فهم و درک خواهند بود، و در کارزار زندگی چراغی بر فراز راه می‌گردد.

شخصی که تلاش دارد قرآن را از این دیدگاه بفهمد، و سعی دارد در روشنایی دستور العمل‌های قرآنی زندگی خود و سایر انسان‌ها را تغییر دهد، آیات قرآن برای او آیاتی که در کتابی نگاشته شده‌اند نمی‌مانند، بلکه آیاتی از زندگی می‌گردند و او احساس می‌کند که در گام به گام زندگی او را راهنمایی می‌کند، چون پدري دلسوز انگش دستش را بدست گرفته او را به جلو می‌برند. اقبال هويت و شخصیت مؤمن را از این نقطه نظر چنین بیان داشته:

.... در ظاهر قاری است که قرآن تلاوت می‌کند، و در حقیقت اوست خود قرآن!

علامه اقبال در جایی از نوشته‌هایش می‌فرماید: قرآن را چنان بخوان که گویا بر قلب تو نازل می‌شود. اینچنین قرآن سرچشمه معرفت الهی، منبع دعوت اسلامی، قانون اساسی جنبش اسلامی، اساسنامه انقلاب اسلامی می‌گردد، و مسیر رود خروشان زندگی را به سوی سعادت و نیکبختی سوق می‌دهد.

تفهیم القرآن نگاه‌ها را به این برنامه انقلابی قرآن متوجه می‌سازد. این نیز حرف جدید یا اکتشاف عجیبی نیست که مولانا مودودی برای اولین بار اختراع کرده باشد و پیشینیان یا متأخران در تفسیرها و سایر نوشته‌های

خود بیان نداشته باشند. آنچه در تفهیم القرآن نمایان است این است که در مطالعه سراسر قرآن این نقطه نظر غالب است، و در هیچ جایگاه اساسی و اصولی و یا فرعی و جزئی از نگاه‌ها پنهان نمی‌ماند. تفسیر در بین خواننده و هدف قرآن از آمدنش پرده‌ای نمی‌گذارد، بلکه همه پرده‌ها و سدها را از سر راه برچیده به پیش می‌رود، تا جان و دل و روح و روان هر لحظه به این هدف و آرمان متوجه باشند.

از این جهت تفهیم القرآن آنچه به شأن نزول آیات قرآنی مربوط می‌شود را به شیوه خاص خود مطرح ساخته است. نویسنده تفهیم القرآن تلاش نموده جلوی خواننده‌اش موقعیت و وضعیت و حالتی را که بر جامعه آن زمان؛ در زمان نزول سوره‌ای معین یا آیاتی و یا جزئی از سوره، حاکم بوده را زنده کند، و تصویری گویا و قابل لمس از آن را جلوی چشم او قرار دهد، تا او بخوبی احساس کند دعوت اسلامی و جنبش اصلاحی در آن برهه از زمان چه حالتی داشته، برای حل چه مسائلی تلاش می‌کرده، چه امکانات و وسائل در اختیار داشته، و با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کرده. این اوضاع و شاخصه‌های زنده قرآنی چه راهنمایی‌هایی برای هر برهه از زمان می‌توانند داشته باشند، و برای زمان ما از چه اهمیت و مناسبتی برخوردارند.

تفهیم القرآن تنها تصویر و شیوه زندگی قرآنی را شرح و بسط نمی‌کند، بلکه بر صفحات آن تاریخ پیامبران و بخصوص تاریخ دعوت و رسالت رسول اکرم (ص)، و تاریخ کامل جنبش اسلامی که زیر قیادت و رهبری و امامت آن حضرت بود نیز به تصویر کشیده شده است. و این شاهکاری قابل فخر برای تفهیم القرآن به شمار می‌رود.

دو ویژگی خاصی که درباره فهم و درک قرآن در بالا ذکر آن رفت، هر دو به اسلوب و روشی نوین و با عاطفه و احساساتی پرشور و تاب در تفهیم

القرآن به بهترین صورت نمایانند. و بدون شک اجتماع این دو ویژگی در یک تفسیر با این روش نمونه و زیبا، کاری است بی‌مانند. از اینروست که تفهیم القرآن خورشیدی است تابان در کهکشان ادبیات تفسیری ما، که با روایات و اخبار گذشتگان نیز میانه‌ای بسیار قوی دارد، و بهترین امین و حافظ آن‌هاست، و درعین حال در بین آن‌ها رنگ و روی ویژه خود را نیز داراست. گویا در میان همه است و از همه جدا!...

این دو ویژگی تفهیم القرآن مهمترین و بنیادی ترین ویژگی‌های آن هستند. اهمیت و جایگاهی که این کتاب به عنوان یک تفسیر داراست بماند در جای خود، از دیدگاه ما اهمیت اصلی و مکانت ویژه آن در روشن نمودن آنچه فهم و درک و کنکاوش آن در قرآن مد نظر است، و واضح کردن مواردی است که بر اساس آن‌ها انسان می‌بایستی با کتاب پروردگار خود رابطه‌ای استوار برقرار کند. این بیش از یک تفسیر راه و روش «فهم قرآن» را به خواننده نشان می‌دهد، و بعید نیست که بنا بر همین موضوع پروردگار و صاحب این کلام آسمانی در دل مؤلف نگاشته تا کتاب خود را «تفهیم القرآن» بنامد. و اینجاست که ما احساس می‌کنیم «تفهیم القرآن» خواننده را از خواندن تفسیرهای مهم و قابل ارج در کتابخانه اسلامی بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه او را برای رسیدن به آن تفسیرها و سیر و سیاحت در فضای بی‌کران آن‌ها آماده می‌سازد.

در پرتو این تفسیر طالب قرآن بصیرت و روشنائی خاصی می‌یابد. پس از آن او همراه با تفهیم از تمام ادبیات تفسیری ما می‌تواند به بهترین صورت بهره‌مند شود، و از ذخیره و میراث گذشتگان نیز به شکل کامل بهترین استفاده‌ها را ببرد.

ویژگی‌های دیگر

در اینجا به برخی دیگر از ویژگی‌های تفهیم القرآن اشاره می‌کنیم که چون شاخ و برگ و گل از ریشه ویژگی‌های بنیادی سبز می‌شوند.

(۱) رابطه مستقیم

این تفسیر تلاش کرده تا رابطه خواننده - قارئ - با قرآن مستقیم و استوار و بدون واسطه باشد.

دیباچه، ترجمه و پاورقی‌ها، ابزارهایی است برای برقراری این رابطه مباشر و پایدار. دیباچه موضوعات سوره‌های قرآنی را جلوی روی خواننده قرار می‌دهد. بوسیله ترجمه مفهوم قرآن بیان می‌گردد. در پاورقی‌ها بطور کلی شرح و بسط معنا و مفهوم آیه، فراهم کردن معلومات تاریخی، اشاره به جاهای دیگری از قرآن که روشنگری‌ها و راهنمایی‌های بیشتری راجع به این موضوع آمده، شرح و بسط آموزه‌های اخلاقی، تمدنی، اجتماعی، سیاسی، قانونی و روابط بین الملل، و مناسبت و رابطه آن با مسائل روز ما، جلب توجه به نکات و برنامه‌های مهم دعوت و ارشاد، و زدودن شک و شبه‌ها و گرد و خاک‌هایی که مخالفان مطرح می‌سازند. عموماً این پاورقی‌ها بسیار مختصر ولی جامع و در برگیرنده‌اند، و در هر جا کیفیت مرکزی و محوری قرآن را برقرار می‌کنند.

حجم مباحث روایات و اخبار در تفهیم بسیار ناچیز است. از حکایات و قصه‌های اسرائیلی هیچ خبری نیست. بحث‌های کلامی که در روزگاران پیشین مطرح بود، و اکنون در زیر خاک زمان دفن گشته نیز در این تفسیر جایگاهی ندارد. بحث‌های فقهی نیز بسیار محدودند. تلاش شده بدور از تعصب‌های گروهی احکام و قواعد قرآن نشان داده شود، و این بازتاب همان ویژگی‌هایی است که در بالا ذکر آن رفت.

در مقدمه تفهیم القرآن هیچ اثری از بحث‌های تقلیدی اصول تفسیر نمی‌یابی. تنها شأن نزول مطرح شده، آنهم به اسلوب و شیوه‌ای مختلف. نه اثری از ناسخ و منسوخ، نه از محکم و متشابه، و نه از بحث‌های تقلیدی و تکراری اعجاز قرآن، و نه از مثال‌ها و فرع‌ها و قصه‌های قرآنی.

البته این بدین معنا نیست که این قضایا را در تفهیم نمی‌یابی، بلکه تمام مسائل مورد نیاز در جای خود بیان شده‌اند، ولی اجازه داده نشده بر نقطه نظر و دیدگاه بنیادی تفسیر چیره گردند، به جای آن توجه اصلی به این تکیه داشته تا؛ موضوع قرآن، مفاهیم مرکزی آن و مقصد و هدف و آرمان آن واضح و روشن گردد، دعوت و تصور برنامه زندگی آن بر دل و دیدگان چیره و غالب شود، و قاری با آن «سلوک قرآنی» آشنا گردد که بوسیله آن قرآن می‌خواهد انسانی نمونه و جامعه‌ای نوین آماده سازد. بهمین دلیل است که صاحب تفهیم القرآن بجای درگیر شدن با بحث‌های گوناگون، توجه‌اش را بر روشن کردن اصطلاحات اساسی و محوری قرآن مبذول داشته، تا دیدگاه اساسی اصلاح گردد و این حالت پیش آید که:

جان چو دیگر شود جهان دیگر شود...

(۲) نظم قرآن

ویژگی دوم تفهیم مطرح ساختن تصور جدیدی است از نظم قرآن. نظم قرآن همواره در درس تفسیر موضوعی قابل اهمیت بوده است. بطور کلی مفسران به روابط بین سوره‌های قرآنی پرداخته‌اند. چند تن از خادمان قرآن تلاش کرده‌اند رابطه بین آیه‌های کلام الله مجید را نیز مشخص کنند. برخی دیگر از اهل علم سعی داشته‌اند هر سوره را یک کیان مستقل تصور کرده برای آن ستون فقراتی مشخص نمایند، و آیات با در نظر داشتن این ستون رابطه موضوعات سوره را روشن ساخته‌اند. پژواک همه این قضایا در تفهیم القرآن به نظر می‌آید، ولی تصور نظمی که بیش از همه مورد توجه قرآن قرار

گرفته این است که؛ رابطه هر آیه و هر سوره با موضوع قرآن، و مفاهیم محوری و خواسته‌ها و آرمانهای آن چیست. این را به تصویر کشیده که؛ این کتاب در هیچ جایی به اندازه تار مویی از موضوع و آرمان و مفاهیم مرکزی خود کنار نرفته است. از ابتدای قرآن تا انتهای آن تمامی این مفاهیم گوناگون با مفهوم اساسی و محوری آن، چنان بهم دوخته‌اند که گویا دانه‌های رنگارنگ و کوچک و بزرگ لعل و جواهر و زمرد یک گردنبند گرانبه‌ایند...

«تمام بیان آن در نهایت انسجام و برابری دور محور - دعوت - می‌چرخد». (ج/اول، ص/۲۰)

این کارنامه بی‌نهایت مهمی است برای تفهیم، و خدمتی است بس بزرگ و شایان در مسیر رسیدن به «نظم قرآن». سید مودودی نخواست به استعمال اصطلاحات بیانی بحث خود را سنگین کند، ولی در حقیقت تفهیم القرآن از گوشه‌ای جدید از نظم قرآن پرده برکشیده است.

او تلاش کرده تا رابطه هر سوره و موضوعات و آیات آن، را با هدف و مرام و دعوت قرآن مشخص سازد، و این همان رابطه‌ای است که بدور از تدخل تأویلات و پرتوهای آن خود بخود از قرآن بروز می‌کند.

و این یک ابتکار نوینی است از تفهیم القرآن که نه تنها نگاه‌ها را به نقطه نظر واقعی و درست جلب نموده، بلکه تلاش کرده تا این نظم قرآن و این رابطه را در هر سوره، و در مقام آن مشخص کند. دیباچه‌های سوره‌ها در تفهیم القرآن در این مورد راهگشای بزرگی است، و پاورقی‌ها نیز هر گوشه‌ای از این کار را مد نظر داشته‌اند.

۳) ترجمه قرآن

مورد سومی که توجه را بخود جلب می‌کند ترجمه قرآن کریم در تفهیم القرآن است. این ترجمه از بسیاری جوانب بی‌مانند است.

این ترجمه از ترجمه حرفی کناره‌گیری کرده اسلوب ترجمه روان را اختیار نموده است، البته ویژگی آن در این است که در هیچ مقامی از مرز ترجمه تجاوز نکرده است. از سایر ترجمه‌های روان یا محاوره‌ای نیز فرق دارد. ترجمه‌های محاوره‌ای هر آیه را بطور مستقل محور قرار داده‌اند، و به تسلسل معنا در میان آیات هیچگونه توجهی نداشته‌اند. تا جایی که نگارنده در جریان است تفهیم اولین تلاشی است که سعی داشته ترجمه مسلسل و روان و بهم دوخته باشد، و تنها با خواندن ترجمه در خواننده آن تأثیری بوجود آید که هدف قرآن است.

شاخصترین ویژگی ترجمه تفهیم در این است که زبان گویایشی قرآن را به زبان نوشتاری برگرداننده است، و بدینصورت نه تنها حق ترجمه بجای آورده شده بلکه روشی جدید در فهم قرآن بوجود آورده، و راهی جدید پیش روی آیندگان گذاشته است.

مولانا مودودی در اثنای تبدیل کردن ترجمه تفهیم القرآن از شیوه گویایشی یا خطایی به اسلوب نوشتاری یا تحریری، با در نظر گرفتن نیازهای معنا و مفهوم ترجمه را پاراگراف بندی کرده است. بدینصورت نه تنها سلسله سخن بجای خود حفظ شده، بلکه نشان داده شده چگونه سخن از یک موضوع به موضوع دیگری منتقل می‌شود. این پاراگراف بندی در ترجمه یک کار تاریخی بزرگ و یک اقدام انقلابی است.

به کمک آن فهم و درک مطالب قرآنی آسان می‌گردد. وظیفه‌ای را که مکث یا سکوت کوتاه، نفس گرفتن، تغییر نبره صدا و لهجه گفتار در سخن گویایشی انجام می‌دهد، در شیوه نوشتاری می‌توان با کمک گرفتن از پراکنش‌های بیانی و پاراگراف بندی ادا نمود. این کار برای اولین بار در تفهیم القرآن صورت گرفته است. غالباً پیش از تفهیم در هیچ زبانی در جهان چنین خدمتی صورت نگرفته است.

از اینرو می‌توان این را از اولین ابتکارات تفهیم القرآن به شمار آورد، که در آن کوی سبقت را از همه ربوده است.

۴) دیباچه سوره‌ها

دیباچه‌های سوره‌های قرآن نیز از ابتکارات تفهیم القرآن به شمار می‌آیند. در کنار بیان پس منظر تاریخی هر سوره، موضوعات و مفاهیم رئیسی آن تعیین شده است، و همچنین رابطه و انسجام آن معانی رئیسی و موضوعات سوره با آرمان عمومی قرآن کریم و مفاهیم اصلی و محوری آن و دعوت و پیام آن بیان گشته است. بطور عموم درباره اسباب نزول بحث‌های بسیار پر بهایی انجام شده، و نکات بسیار لطیف و زیرکانه با اسلوبی شیوا بیان گشته است. ما کسی را سراغ نداریم که پیش از این با توجه به گواهی‌های روشن و دلایل گویای داخلی و خارجی به کمک دیباچه‌های سوره‌های قرآنی مطالب قرآن را اینچنین بهم پیوسته و زنجیروار مرتب کرده باشد، و این خدمت ارزنده را در تمام قرآن بجای آورده باشد.

۵) احکام قرآن

یکی دیگر از ویژگی‌های تفهیم القرآن بیان احکام فقهی است. تلاش شده تا هر حکمی که از آیتی استنباط می‌شود در همانجا بیان گردد. و در کنار آن به همه آیات و مقاماتی که به آن احکام بگونه‌ای ربط پیدا می‌کنند و این سلسله از احکام در آنجا یافت می‌شود اشاره گردد. تفهیم القرآن کوشش کرده با این روش قرآن را از زبان خود قرآن تفسیر کند.

همچنین توجه خاصی شده که در هر موضوعی با توجه به مجموع آموزه‌های قرآن پاک و نظام اخلاقی و تمدنی آن دستورات و اوامر و احکام قرآنی روشن و واضح گردند، و در نقشه کل زندگی جایگاه آن‌ها مشخص شود.

سپس تفهیم القرآن تلاش نموده تفسیر و شرح و بسط پیامبر اکرم آ ، یا شاگردان آن مقام والا O که درباره آیه یا حکمی از قرآن کریم آمده را بیان کند. و چنانچه در بین صحابه و شاگردان پیامبر اکرم آ ، یا در بین علمای پس از آن‌ها اختلاف نظری در فهم آیه یا بیان حکم بوده آن را واضح نموده به اسباب یا دلایلی که باعث اختلاف برداشت‌ها شده اشاره کرده است. بطور کلی در شرح و بسط احکام فقهی به بیان آراء مدرسه حنفی بیشترین توجه را مبذول داشته، البته نقطه نظرهای سایر مذاهب فقهی را نیز بیان داشته است. از این بابت تفهیم القرآن در پژوهش‌های تقابلی میان مذاهب فقهی تلاش مفیدی تقدیم داشته است که برای پژوهشگران و اهل علم در آینده کمک بسیار گرانبها و ارجمندی می‌تواند باشد و بصورت عموم می‌تواند راهکارهای تعاون و گسترش را در بین امت باز کند.

۶) پژوهش‌های تقابلی ادیان

تفهیم القرآن مطالعاتی تقابلی درباره یهودیان \times کلیمی‌ها - و مسیحی‌ها و قرآن تقدیم داشته است. در این پژوهش‌ها رنگ و بوی مناظره را نمی‌بینی در آن از یک سو کوشش شده تا به اعتراضات و شبهاتی که از سوی نویسندگان مسیحی و شرق شناسان غربی درباره قرآن مطرح شده جواب‌های مفصل و شافی داده شود، و از سوی دیگر فرق بین اسلوب قرآن و شیوه انجیل و تورات موجود را واضح گرداند تا فرق بین وحی خالص و وحی تحریف شده جلوی دیدگان همه روشن گردد.

مولانا مودودی قرآن را اساس و پایه دلیل و برهان خود قرار داده، شیوه و روش ادیان دیگر درباره موضوع زیر بحث را زیر ذره بین نقد و بررسی قرار می‌دهد، و فرق بین دو دیدگاه را مشخص می‌کند. او برای تأیید گفته‌های خود به پژوهش‌های تاریخی، و جدیدترین مطالعات در بابیل - انجیل و تورات -، و تازه‌ترین تحقیقات و اکتشافات در سایر میادین علمی استناد

می‌ورزد. بهمین صورت او جدیدترین نظریه‌ها و اندیشه‌ها و جنبشها را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد، و افرادی را که با تأثیر پذیری از این نظریه‌ها و اندیشه‌های نوین تلاش داشته‌اند قرآن را به شیوه‌های غلطی تعبیر و تفسیر کنند، را بازخواست می‌کند.

در تفسیر او مباحث بی‌شماری از زیست‌شناسی، حیوان‌شناسی، ستاره‌شناسی، انسان‌شناسی و شیمی و جغرافی‌گرفته تا جامعه‌شناسی، و سیاست، و عمران و بازسازی، و روان‌شناسی، و فلسفه و منطق، و تاریخ و تقابل ادیان مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. او از همه این میادین استفاده می‌کند، ولی در همه موارد قرآن را بعنوان داور و حکم خود قرار می‌دهد. و این میادین علمی هرگز و در هیچ موردی نمی‌توانند او را از مسیرش دور یا منحرف سازند. تفهیم القرآن از این مورد بعنوان یک روش اجتهادی جدید در پژوهش‌ها و بررسی‌های تقابلی بین ادیان و نظریات و اندیشه‌های مختلف استفاده می‌کند، و بدینصورت پایه و اساسی جدید در این میدان ابتکار کرده است. این مورد تفسیر او را تفسیری نوین قرار داده که بصورت بسیار گسترده‌ای از مسائل روز و میادین علمی جدید بهره‌برداری می‌کند ولی هرگز شعارهای براق زمانه و اندیشه و خیالات مطرح روزگار بر او مسلط نمی‌گردند. در این مورد شیوه و روش او چنین است:

به رنگ دریا، ساحل آشنا گشته... بر لب ساحل دامن‌ت را بالا بگیر
(۷) نوگرایی

از آنچه در بالا رفت هفتمین خصوصیت تفهیم پیش روی ما نمایانگر می‌شود... و آن چیزی نیست جز میانه‌روی در نوگرایی و برپایی و استحکام روایت زندگی بخشی که در نقطه وسط بین قدامت و گه‌نه‌پرستی و تجدد و نوگرایی قرار دارد.

او در مقابل این دیدگاه تقلیدی که بصورت عملی دین خدا را در

چهارچوب زندگی فردی و مسجد و خانه زندانی کرده بود شورید، و همچنین در برابر این نوگرایی که با پوشش ظاهری اسلام تلاش داشت همه اسالیب و روش‌ها و اندیشه و نظریه‌های جدید روز را به زور شامل دین گرداند، تلاشی که قرآن را بازیچه بچه‌ها قرار داده بود، به جهاد پرداخت.

صاحب تفهیم القرآن نیازهای زمانه خود را بخوبی دریافته بود، البته او به این بیماری و سوء فهم مبتلا نبود که - العیاذ بالله - آفریدگار آسمان و زمین اشتباها در کتابش چنین و چنان آورده که امروزه بایستی معنی آن را به صورتی دیگر تصحیح کنیم! مولانا مودودی آن نواندیشانی را که عقل‌های بیمارشان چنین تصویری ترشح کرده‌اند را به شدت محاسبه نموده، تلاش داشته تا قرآن را آنچه‌آن که هست بیان دارد. او سعی کرده تا این شور و شوق و احساس را در افراد بیدار نماید که؛ نیاز در این نیست که قرآن را تغییر دهیم، بلکه بایستی خود را تغییر داده، رنگ و بوی قرآنی گیریم.

این سیمای روشن تجددگرائی و نواندیشی اسلامی است که از زمان نبوت پیامبر اکرم آ آغاز شده تا به امروز روشنفکران و پاک سرشتان امت آن را برنامه خود قرار داده‌اند، و تفهیم تلاش داشته در مسیر آن گام نهاده، آن را به صورتی واضحتر و روشنتر تقدیم دارد.

۸) علم کلام نوین

یکی دیگر از خصوصیات تفهیم القرآن این است که علم کلام نوینی را بنیانگذاری کرده است.

هر دوره از زمان را قضایا و مسائل خاص خود است که با زمان‌های دیگر فرق دارد. هر برهه‌ای از زمان سطح علمی خودش را داراست. و علوم و دانش‌هایی که در زمان‌های مختلف رواج پیدا می‌کنند و بر عقل‌ها چیره می‌گردند نیز گوناگونند.

تلاش‌هایی برای جواب دادن و بازخواست پرسش‌های حیرانی که

روحانیون مسیحی مطرح می‌کردند، و یا سخن‌هایی که از مدرسه «سر سید احمد خان»^(۱) ترشح می‌شد، در نزد ما صورت گرفت، ولی این را نیز باید قبول داشت که این تلاش‌ها استعمار فکری غرب که سرچشمه چنین اعتراضات و شبهاتی بود را هدف قرار نمی‌داد.

اگر در زمان هجوم فکری یونان، و قد علم کردن اندیشه‌های فلسفی و اعتزالی، برای پاسخ دادن به آن‌ها نیاز به علم کلام جدیدی احساس شده بود، امروز که سایه علوم و فنون غرب بر همه جا چیره شده، فرهنگ آن جامعه‌های ما را بشدت تهدید می‌کند نیاز بدان بسیار شدیدتر است.

علامه شبلی نعمانی و مولانا ابوالکلام آزاد در این میدان کوشش‌های ارزنده‌ای تقدیم داشتند، ولی تلاش‌های آن‌ها از مراحل ابتدایی خود پیشتر نرفت. علامه اقبال نیز تلاش‌های بسیار گرانبها و پرباری انجام دادند و خط مش اساسی برای مقابله با تفکرهای جدید را روشن ساختند. البته در این میان نمونه عمیق و تفصیلی علم کلام نوین را تنها در نوشته‌های مولانا مودودی می‌توان یافت.

از این نقطه نظر؛ تنقیحات، حجاب، ربا، اسلام و تحدید نسل، تفهیمات، تعلیمات، جایگاه قانونی سنت، از جمله کتاب‌های بسیار ارزنده و گرانبهای

۱- سر سید احمد خان (۱۸۱۷ - ۱۸۹۸ م) مؤسس دانشگاه علیکره هند، و از شاخصترین نام‌های اصلاح‌گرای قرن نوزده میلادی است. در تألیفات متعدد خود تلاش داشته به برخی از شبهات مغرضانه شرق شناسان جواب دهد. او چون بسیاری از علمای این دوره از پیشرفت تکنولوژی غرب منبهر شده دچار احساس به خودکمترینی شده بود. در نوشته‌هایش تلاش می‌کند هرآنچه از اسلام که با عقل و منطق کوتاه و تاریک غرب سازگار نیست را به گونه‌ای تأویل - و یا به زبان عامیانه ماست مالی - کند! او ادعا می‌کند وحی الهی به صورت معانی کلی بر قلب پیامبر خدا آ نازل می‌شد و تعبیر قرآنی از خود پیامبر است! و همچنین گردن آیات مربوط به «جن» را طوری کج می‌کند تا وجود حقیقی جن را انکار نماید! (م)

مولانا مودودی به شمار می‌آیند. با این وجود شاهکار ایشان که در آن این علم کلام بخوبی تجلی می‌کند «تفهیم القرآن» است.

البته تفهیم به تنهایی شاخصه کامل این علم کلام نیست، بلکه در آینده یکی از مصادر عمده آن بشمار خواهد آمد. تا کنون کسی اصول و قواعد علم کلام جدید را در یک جا مرتب نکرده است، البته این کار آیندگان است که آن را استخراج کنند.

اگر در این باره تلاشی ابتدائی بخواهد صورت گیرد، در یک نگاه حرف‌های اساسی و بنیادی علم کلام «تفهیم القرآن» چنین به نظر می‌آیند: الف) دلیل از مجموع آموزه‌های قرآنی برگرفته می‌شود. از بریدن یک آیت‌های قرآن و جدا کردن آن‌ها از متن و سیاقشان برگرفته نمی‌شود، و مفهوم واقعی یک آیه قرآنی با در نظر نگرفتن آیات دیگری از قرآن که بدان موضوع پرداخته است بدست نمی‌آید. و همچنین هر مسأله و مبحثی را تنها در صورتی می‌توانیم بدرستی درک کنیم که جایگاهی را که قرآن برای آن تعیین نموده را در نقشه کامل زندگی مشخص کنیم. {بدینصورت این علم کلام راهنمایی شمولی و کامل قرآن را اساس و بنیاد قرار داده است، و این را نیز ثابت کرده که آنچه از اشتباهات و کج فهمی‌ها و تفسیرهای نادرست و تعبیرهای بی‌ربطی که امروزه رائج شده، در وهله اول برمی‌گردد به اینکه به جای توجه کامل به کیان قرآن، و تصور شمولی از آموزه‌ها و تعلیمات آن، و تصویر تطبیقی و عملی آن (یعنی سنت پیامبر اکرم (آ)) برخی به پاره‌هایی از آن که از متن و سیاق بریده‌اند، خود را مشغول داشته‌اند}.

ب) در ترتیب چهارچوب این علم کلام باید توجه شود که بیماری‌های اساسی مسلمانان در عصر جدید عبارتند از: جهالت و نادانی، وحشت از افکار و اندیشه‌ها و نظریه‌های جدید، تناقض و دوگانگی، و یک گروه مخصوصی که آگاهانه و در روز روشن به دین خیانت می‌کنند. برای مقابله با این بحران

باید از یک سو آموزه‌ها و تعلیمات اسلام بصورت بسیار ساده و عام فهم بیان شوند تا جهالت و نادانی درباره دین برطرف گردد. به اساس و بنیاد افکار و اندیشه‌های جهان غرب، و مهمترین نظریه‌ها و جنبش‌های آن بشدت حمله شود، با نقد و بررسی شامل و دقیق روشن گردد که چه چیزی از آن درست است و باعث خیر و سعادت می‌گردد و چه چیزهایی نادرست و باعث فساد و ویرانی. این هجوم مواقف اخلاقی غرب (امپریالیسم و ظلم و ستم بر ملت‌ها)، و نظام فکری، و برنامه‌های تمدنی، و نظام اجتماعی، و جنبش‌های سیاسی، و اخلاق اجتماعی آن را باید در تیر رس خود قرار دهد. بدینصورت طلسم و جادوی وحشت درهم می‌شکند و خود کمترینی و احساس به خواری، از جامعه ما دور می‌شود، و بر فرهنگ و تمدن خود اعتماد به نفس پیدا می‌گردد.

سپس تناقض و دوگانگی بصورت خاصی مورد هجوم قرار گیرد، تا کسی که می‌خواهد در سایه اسلام زندگی کند مسلمان کامل شود، و کسی که شیفته نظام‌های دیگری است و می‌خواهد از آن‌ها حمایت کند هیچ نقابی از مکر و حيله یا کج فهمی بر چهره‌اش باقی نماند.

بدینوسیله آن‌هایی که خنجر بدست گرفته به صراحت به دین خیانت می‌کنند، نادانی و حقارت و حماقت و فساد اخلاقیشان به روشنی بر ملا شود، و با رنگ و روی واقعی خود نزد همه شناخته شوند. (این نقد و بررسی‌ها و کوشش‌های علمی از یک سو ضعف‌ها و ناتوانی‌های علمی و اخلاقی‌ای که طی سال‌های بردگی و رکود در بین خود مسلمانان پیدا شده بود را جلوی دیدگان همه قرار داد، و از سوی دیگر سرچشمه و اساس فتنه و فسادهای دور جدید - فرهنگ ماده پرستی اروپا و جنبش‌ها و حرکت‌های آن - را در تیر رس خود قرار داد تا ضربه نهایی به هدف بخورد، و فساد از ریشه کنده شود، و تنها با انعکاس این پژواک‌هایی که در جامعه‌های اسلامی

شنیده می‌شود درگیر نباشد).

ت) مبحث سرچشمه و مصادر علم بطور فطری در این علم کلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اصل ادعای اروپا بر این است که نیازی به وحی نیست. برای ساختن فرهنگ و تمدن عقل و تجربه انسانی کافی است. بر خلاف آن اسلام بر این باور است که عقل و تجربه وقتی مفیدند که در روشنی وحی وظیفه خود را انجام دهند، در غیر اینصورت همانگونه که چشم انسان در تاریکی قادر به دیدن نیست آن‌ها نیز قادر به دیدن و درک حقیقت نخواهند بود. و نور و روشنایی وحی همان قرآن پاک است. (در این علم کلام نوین تلاش شده تا جایگاه واقعی وحی، عقل، و تجربه بدرستی مشخص گردد. همچنین این مورد روشن شده که چه جانبی از معلومات فراهم شده از علوم جدید قابل استفاده‌اند، و در میدان استناد مرز و حد دقیق آن‌ها چیست).

ث) عقل سلیم در روش استنباطی این علم کلام جدید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نه عقل را بکلی نفی می‌کند و نه تنها بر عقل کفایت می‌کند. تفهیم القرآن در مسیر خود گام بگام عقل سلیم را صدا می‌زند، و تلاش دارد عقل بیش از پیش از سلامتی و صداقت بهره‌مند شود، و این همان شیوه استدلال خود قرآن است.

ربط منطقی و اتفاق درونی و هماهنگی در این علم کلام از اهمیت خاصی برخوردار است، که در کنار آن شعور و احساس به حقیقت نفس الامری و مطابقت با آن نیز پیدا می‌شود. همچنین در روشنایی نتایج و داده‌ها یک روش خاص برای نفع و ضرر ثابت می‌شود. این استدلال تنها عقلی نیست، بلکه از عقل در رسیدن به آن بطور کامل کمک گرفته شده است.

در کنار عقل از شخصیت کامل انسان، از وجود تاریخی و اخلاقی او، از

شوق و شور و احساسات او، و از توان موازنه و تقابل او یاری می‌گیرد، از اینروست که به قلبی که بدان مطمئن گردد شخصیتی جدید می‌بخشد تنها او را قانع نمی‌کند بلکه بکلی تغییر می‌دهد. در آن محسوس و معلوم و صغری و کبرای دلیل آماده می‌شوند و با آگاهی و معرفت اسباب تفکر در حقایق و درک معرفت درست آن پیدا می‌گردد. علم کلام نوین این شیوه استدلال را اختیار کرده است.

ج) یکی دیگر از شیوه‌های استدلالی قرآن این است که مخالف را با اصول و قواعد و علوم که خودش بدان ایمان دارد و در برابر آن تسلیم است خلع سلاح می‌کند. (بطور مثال؛ کنجکاوای قوم حضرت ابراهیم ÷ را به این حقیقت کشانید که شما حاضر نیستید قبول کنید بتی که آن را به عنوان خدا و معبود و حاجت روای خود قرار داده‌اید، دیگر بت‌های دروغین شما را شکسته باشد!).

علم کلام جدید در برنامه نقد و بررسی غرب از این شیوه و روش بصورت بسیار جدی کمک گرفته است. در تفهیم القرآن نمونه‌های بسیار جالبی از این روش را می‌توانی بیابی.

ح) در علم کلامی که تفهیم القرآن بنیانگذاری کرده بیان حکمت از احکام اسلامی، و مناسبت و هماهنگی آن‌ها با قضایا و برنامه‌های اجرایی روز اهمیت خاصی دارد. این شیوه از یک طرف اعتماد و یقین به تعلیمات و آموزه‌های قرآنی را رشد می‌دهد، و از طرف دیگر دلیل و برهانی است قاطع بر اینکه قرآن کلام الهی است، چرا که گذشت زمان و تغییر و تحولات آن بر تعلیمات و آموزه‌های قرآن کوچکترین اثری نمی‌گذارد، و او در قرن بیستم میلادی همان تازگی و لطافت و شیوایی و اهمیتی را داراست که در قرن هفتم میلادی در بین اهل مکه در صحرای عربستان داشته است.

خ) یکی دیگر از شیوه‌های نمایان استدلال در قرآن این است که در کنار

اطمینان قلب و استقرار فهم، در هر قدم کوشش می‌کند نفس تزکیه و تربیت شود تا شخصیت کامل بتواند بسوی راه و هدف مطلوب ترقی و پیشرفت نماید. تفهیم القرآن دقیقاً همین روش را اختیار کرده است. تفهیم و تزکیه در تمام مسیر آن شانه به شانه هم در حرکتند. یعنی در این علم کلام اصل گوهر مطلوب تنها ایمان و عمل نیک است. در هر قدم تلاش شده این دو به هم ربط داده شوند تا آنچه در رگ‌ها جریان می‌یابد از چشم‌ها نیز بیرون جهد!

این بود چند خد و خالی که بر چهره علم کلام تفهیم القرآن نمایانند.

۹) فهرست موضوعات

یکی دیگر از ویژگی‌های خاص تفهیم القرآن فهرست بندی موضوعات آن است.

فهرست‌های موضوعی بسیار زیاد و گرانمایی در زبان‌های مختلف برای کلام الله مجید نگاشته شده است، ولی فهرستی که تفهیم القرآن ترتیب داده، در باب خود بی‌مانند است. این آینه‌ای است از تمام مباحث و موضوعات مهم قرآن و تفهیم القرآن. این فهرست هر مسئله پایه و اصولی یا فرعی و جزئی که قرآن کریم در جاهای مختلف مطرح کرده را در بر گرفته است. برای پویندگان و اهل علمی که روی قرآن بحث و بررسی می‌کنند با توجه به کثرت و تنوع موضوعات قرآنی این فهرست موضوعی نعمت و ارمغانی غیر منتظره است.

اگر تفهیم القرآن دایرة المعارفی برای علوم است این فهرست نردبانی است که خواننده را به هر جای این دایره المعارف بزرگ راهنمایی می‌کند. من این «فهرست موضوعی» را نیز از ابتکارات تفهیم القرآن بشمار می‌آورم، چرا که پیش از این هرگز چنین فهرستی برای رسیدن به موضوعات قرآن کریم همراه با تفسیر قرآن مرتب نشده است.

تفہیم القرآن و چالش‌های روزگار نوین

از چالش‌های دور جدید می‌توان برداشت‌های مختلفی داشت و به شیوه‌های گوناگونی آن را مطرح ساخت. من به عنوان کسی که به قرآن باور دارم، و شاگردی از تفہیم القرآن هستم وقتی با دقت در این باره می‌نگرم، سه جانب از اندیشه‌های انحرافی دور جدید که ما را به مبارزه می‌طلبند جلوی دیدگانم نمایان می‌گردد:

(الف) دور جدید تقریباً در سطح جهانی وحی را انکار یا بدون از آن نقشه کاملی از زندگی بر اساس خودکامگی و قوم پرستی یا نظریه‌های دین ستیزانه بنا کرده است. همه جهان سوسیالیسم و اشتراکی و باورها و اندیشه‌های ملت‌های بی‌دین اروپایی در زیر چتر این وحی ستیزی قرار می‌گیرند. پیروان هندویزم، و سیک‌ها و سایر دیانت‌های غیر آسمانی نیز تا حدی جزو این گروه به شمار می‌آیند.

(ب) آن‌هایی که به وحی آسمانی باور دارند نیز نمی‌پذیرند که سلسله آن به پیامبر اکرم آ رسیده باشد، آن وحیی را آخرین می‌دانند که به پیامبر آنان رسیده است! آن‌ها آماده نیستند بپذیرند اسلام دینی الهی و مبنی بر وحی آسمانی است. یهودیان و مسیحیان این گروه را تشکیل می‌دهند.

(ج) جزء بزرگی از مسلمانانی که به پیامبری حضرت خاتم آ باور دارند، در جانب تطبیقی زندگی خود دین و دنیا را از هم جدا قرار داده، این را برنامه و شیوه عملی خود قرار داده‌اند.

جدایی دین و دنیا روایتی است مذهبی که دین را در چند دایره مخصوص از زندگی فردی و چند شعار محدود از زندگی اجتماعی خلاصه می‌کند.

نزد برخی این یک جریان دنیایی است که در آن گویا تا حدودی در

زندگی فردی و اجتماعی دین را ترک نکرده‌اند ولی معانی و مفاهیم واقعی آن را تغییر داده، و یا تغییر می‌دهند. این گروه بین اسلام و سایر نظام‌ها و افکار و اندیشه و تصورها پیوندی برقرار می‌کنند، و قوانین و احکام اسلامی را بگونه‌ای تفسیر می‌کنند که در واقع با تحریف آن مترادف است.

آنچه ما آن را چالش‌های دور جدید می‌نامیم در حقیقت این سه یا چهار دیدگاه بحران‌گرا را شامل می‌شود، یا می‌توان گفت که این چهار چهره از آن چالش‌هاست. تفهیم القرآن با روش خود به این شیوه‌های چهارگانه چالش پاسخ گفته است.

در برابر نقطه اول تفهیم القرآن موضوع اثبات وحی را در برنامه خود قرار داده، با دلایل و برهان‌های قوی ثابت کرده است انسان نیاز به راهنمایی و هدایت از سوی پروردگار خود دارد. و سعادت و کامیابی و خوشبختی او تنها در پذیرش راهنمایی‌های پروردگار و جامه عمل پوشاندن به آن‌هاست.

درباره نقطه دوم تفهیم القرآن نشان داده است آن‌هایی که خود را مالکان و اجاره‌دارهای وحی می‌دانند، در واقع جنایتکارانی هستند که حق را پنهان کرده، چهره واقعی آن را می‌پوشانند. کتاب مقدس - انجیل و تورات - در شکل واقعی خود بطور عموم همان دعوت و پیامی را تقدیم داشته که قرآن پاک آن را تقدیم می‌دارد، ولی پیروان این کتاب‌ها شکل و صورت آن‌ها را بگونه‌ای مسخ کرده، از بین برده‌اند، که امروزه در آن‌ها تصور کاملی از وحی الهی را هرگز نمی‌توانی بیابی.

در دو مورد آخر تفهیم القرآن آن دو گروه را مخاطب قرار داده اشتباهات آن‌ها را در روشنی قرآن و عقل بیان کرده، تعالیم و آموزه‌های قرآن را به صورت؛ دو دو تا چهارتا، واضح و روشن مطرح ساخته است.

بینش خشک و تنگ مذهب‌گرایی را از بیخ و بن می‌کند، پیام انقلابی قرآن را روشن نموده، نشان می‌دهد که قرآن چگونه گوشه گوشه زندگی را

تعمیر نموده، آن را از سر نو بازسازی می‌کند. همچنین به روشنی مطرح می‌سازد که کوره راهی برای رسیدن به سعادت و نجات و کامیابی وجود ندارد.

تنها شیوه درست زندگی آن است که تمام زندگی در بندگی آفریدگار خلاصه شود و بر زمین خدا تنها قانون و دستورات خود او جاری و نافذ گردد. حق نماز و عبادت نیز تنها در صورتی ادا می‌شود که تلاش و کوشش برای آزادی و رهایی زندگی و نظام و برنامه آن از گناه و سرکشی و طاغوت و خودکامگان همواره برقرار باشد.

تفہیم القرآن کج‌فہمی‌های تجددگرایان، و یا به عبارت روشنتر آن کج‌فہمی‌هایی که می‌خواهند دیگران را به آن‌ها مبتلا سازند، را دور کرده، می‌گویند که راه و روش پیروی یا سرکشی قابل فهم است، ولی انکار و سرکشی از حق پس از درک و فهم و ایمان بدان بر خلاف عقل و قرآن و پایه‌های اساسی اخلاق است.

بدین‌صورت تفہیم القرآن تمامی جوانب چالش‌های دور جدید را معالجه نموده، جواب‌های سازنده و مثبت داده است.

وبالاتر و مهمتر از همه اینکه با ابتکار علم کلام جدیدی تصور قرآن از دین و برنامه زندگی را بگونه‌ای بسیار سازنده و مثبت تقدیم داشته است. با این روش این کتاب کاری را انجام داده که برای انجام آن نیاز به کتابخانه‌هاست. تفہیم برای این دوره از زمان تنها بهترین استاد و ادب نیست، بلکه استاد و ادب ساز و انسان گراست...

در پرتو آن انسان‌هایی ساخته می‌شوند، و خواهند شد، که می‌توانند تنشگرایی و چالش‌ها و تشنج سازی دور جدید را جوابگو باشند. و از این سرچشمه آن دریا‌هایی بیرون می‌جهد که می‌توانند جدیدترین کویرها و صحراهای تشنه فکر و اندیشه و علم و ادب را سیراب سازند..